

مشکلم



۸ مارس روز بین المللی زن گرامی باد

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران فرارسیدن هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز بین المللی زن را به همه دختران و زنان زحمتکش و مبارز میهن تبریک میگوید. ۸ مارس روز همبستگی بین المللی زنان زحمتکش و آزادیخواه سراسر جهان روز تجدید پیمان همه انسانهای ترقیخواه کره مابخاطر برانداختن ستم جنسی و رفع تبعیض نسبت به زنان است.

زنان جوان و آزاده ایران در کمتر کشوری است که رژیم وحشی و خون آلوده نیمی از انسانهای یک جامعه را از بین جنین گستاخانه به بند کشیده باشد. زنان میهن مادر بی حقوقی کامل برمیوبند و هر روز غل و زنجیرهای تا زهای بردست ویای آشیای بسته میشود. رژیم ارتجاعی خمینی زندگی، جوانی و آینده میلیو - نهان را در میهن ما تباه کرده است. در کارخانجات بقیه در صفحه ۲

جنگ بس است

حملات جنگی تازه ای که رژیم در دوم بهمن ماه بنام "بیت المقدس ۲" آغاز کرد، همانگونه که از ابتدا روشن بود، با عدم موفقیت و بیروزی همراه شد. نتایج این حمله اجساد بیخون فتنه مدها جوان دیگر ایرانی بود که دور افتاده و کاشانه خود بجاک غلتیدند. ناکامی رژیم بیکار دیگر نشان داد که ما شین جنگی اودر جبهه ها از کار افتاده و قادر به بیروزی یا حتی کوچک هم نیست. بقیه در صفحه ۲

- ★ ذبح شرعی قانون کار در شورای نگهبان در صفحه ۴
- ★ طرح نظام آموزشی نوین در صفحه ۲
- ★ برتولت برشت در صفحه ۵

مقاومی که سالها در ایلاتکلیفی به سر برده اند اکنون در معرض اعدام قرار گرفته اند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده است که ساطور مرگ در خمیان رژیم، جان رفیق رحیم اسداللهی که از سال ۶۲ تاکنون در زندان بسوده است را شهید میکند. فشار مجدد و شکنجه های سنگین بر عده ای از مبارزان دلیر خلق فزونی یافته تا در شوها ی تلویزیونی رژیم شرکت کنند و و منکر آرمانهای انسان دوستانه و عدالت پژوهانه خویش شوند و مسئولین رژیم رسما اعلام کرده اند که زندانیان سیاسی مبارزی که توبه نگ کرده باشند، حتی اگر محکومیشان پایان بپذیرد، آزاد نخواهند شد. اعمال محدودیت های بیشتر در شرایط زیستی زندانیان، امکانات بهداشتی و درمانی و تغذیه آنان بر اوضاع وخامت بار زندانیان افزوده است. بقیه در صفحه ۷

شریسه سازمان جوانان پیشگام ایران سال سوم شماره ۴۴
اسفندماه ۱۳۶۶
بها ۱۵ ریال

انتخابات مجلس سوم را تحریم کنیم!

جوانان مبارز و انقلابی انتخابات سومین دوره مجلس در شرایطی قرار میبرد که میهن ما در زیر چکمه ولایت فقیه غرق در خون و ماتم است. کارگران، زحمتکشان و جوانان میهن ما از حق معرفی و انتخاب نمایندگان خود محرومند، ابتدایی ترین خواسته های مردم با ایما و کوچکترین نشانه های آزادی سرکوب میشود. آزادیخواهان درکنج زندانها و شکنجه گاهها به بند کشیده شده اند و سازمانهای سیاسی در زیر شدیدترین پیگردا قرار دارند. انتخابات مجلس سوم در شرایطی برگزار میشود که نه تنها مرجعین، مزدوران ولایت فقیه و آزادی کشان حرفهای آزادی را حرف برینند و انتخاب شوند. در چنین شرایطی "انتخابات آزاد یک دروغ بیشترمانه است. مجلس سوم نیز چون دو مجلس قبلی بسک مجلس صدرمد ارتجاعی خواهد بود. کارگران و زحمتکشان جوان، دانش جویان و دانش آموزان!

با تحریم گسترده و یکپارچه انتخابات مجلس اعتراض خود علیه جنگ، بیکاری، فقر گرسنگی بی حقوقی را آشکار سازید. با تحریم انتخابات مخالفت خود علیه کل رژیم را نشان دهید. بیروزی طرفداران رفسنجانی یا طرفداران خامنه ای در انتخابات مجلس هیچکدام حامی برای مردم نخواهد داشت. همه آنها دشمن شما هستند. هیچ انسان میهن دوست و آگاهی نمیتواند به مجلس ولایت فقیه راه یابد. مجلس آنان مجلس جنسگ بقیه در صفحه ۷

بانگ پیکار جوی زندانیان سیاسی را در همه جا بگستریم

جلادان رژیم با زهم دور تازه ای از فشار و شکنجه را بر زندانیان سیاسی آغاز کرده اند. بنابر اطلاعات واصله، ۷۵ نفر از زندانیان سیاسی در لیست جدید اعدام قرار گرفته اند و جان شان در معرض خطر جدی قرار گرفته است. رژیم گروهی از زندانیان مبارز را تجدید محاکمه کرده و احکام مرگ برایشان صادر نموده است. در میان آنها نام رفیق صد اسلاهی، کادربرجسته و قدیمی سازیمان فدایی که قبلا به ۵ سال زندان محکوم شده بود، به چشم میخورد. عده ای از زندانیان

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

جنگ بس است

بقیة از صفحه ۱

۸ مارس ...

بقیة از صفحه ۱

ادارات ، مدارس و دانشگاهها هر روز محدودیت‌های بیشتری برای زنان وضع میشود. آنها از حقوق فعالیت‌های اجتماعی سازماندهی ، حق کار آزادانه و برابر حقوق با مردان ، حق آموزش ، حق گذراندن بسیاری از دوره‌های تخصصی ، حق ورزش ، کارهای هنری و فرهنگی ، تفریح و زندگی شاد محروم می‌شوند. قوانین اسلامی رژیم زنان را در خانوادها نیز به فراموشی درآوردن فاقده اختیار بدیدل میکند. قوانین خانوادگی رژیم اسلامی بزرگترین تبعیض بر زنان ولیکن تنگی بردا مان جامعه قرن بیستم است. این قوانین میخواهد زنان میهن ما را به " نیمه انسانی " بدل کند، محسوسور، دربند عقوبت باشد که شایسته فعالیت اجتماعی نباشند. و درکنج خانه و آشپزخانه بیوسند. رژیم میخواهد نه تنها در جامعه که حتی درخانوادها نیز زنان را به بندگی و انقیاد بکشد. زنان میهن ما به این بندگی و این سنگین نمیدهند. هم اکنون میلیونها زن کارگر، زحمتکش دانش آموز، دانشجوی و کارمند علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم به اشکال مختلف مبارزه و مقاومت میکنند. بسیاری از زنان قهرمان ما علیه بندگی و بردگی خود و خلق خودبیاخاسته اند و در زندانها و شکنجه گاهها و درمرفوف سازمانهای انقلابی علیه رژیم دژخیم و ضد بشری خمینی میروزمند.

تعددی و ستم های وحشیانه رژیم علیه زنان جنگ ارتجاعی ، سرکوب آزادی، فقر و گرسنگی زنان میهن ما را بیش از پیش به سوی فعالیت های اجتماعی و مبارزاتی میکشاند. در تمامی اعتراضات توده ای سالهای اخیر زنان و بویژه زنان زحمتکش نیروی مهم و بیشتا زبوده اند. بسندون جلب گسترده زنان به مبارزه هیچ جنبش گسترده توده ای واقعی نمیتواند شکل بگیرد. و طبقه ارتقاء آگاهی، سازماندهی و جلب فعالتر زنان به مبارزه انقلابی و طبقه برتری است که قبل از هم بردوش زنان بیسرو و آگاه قرار درآید. دختران و زنان جوان و مبارز.

تور احتقار رژیم سنگین است اما با زهم هزاران راه برای متشکل کردن و آگاه ساختن زنان و دختران در کارخانه ، اداره ، دانشگاه و مدرسه و سایر عرصه های فعالیت اجتماعی وجود دارد. باید پیگیرانه و بطور خستگی ناپذیر این امکانات را جستجو کرد. آنها را یافت و وظیفه ارتقاء آگاهی و سازماندهی زنان جوان را گام به گام جلو برد. از درون این کامیتهای کوچک زنان جوان میهن ما مبارزه علیه ظلم و ستم رژیم ولایت فقیه و برای تأمین حقوق خود را آموخته و به پیش میبرند، تا آنجا که همسودش بدران و برادران خود جنبشی را برپا کنند که نه تنها ریشه ستم جنسی را بسوزاند ، بلکه هر گونه ستم طبقاتی را که بدون از میان برداشتن آن رهایی زنان امکا پذیر نخواهد بود، از میان بردارد.

پیروزی با درم زنان علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران اسفند ماه ۶۶

شواهد حاکی از آن است که سرنوشته جنگ عملا بیش از پیش از دست رژیمگدان اسلام "قاوخته و به عومه های سیاسی و دیپلماتیک منتقل میگردد. چندین ماه است که تلاشهای بین المللی گسترده ای برای واداشتن رژیم جمهوری اسلامی به پذیرش و اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد جریان دارد. امپریالیسم آمریکا و متحدین غربی اش میگویند با محمل فشار بر جمهوری اسلامی برای قطع جنگ نفوذ خود را در منطقه تحکیم کنند. ماه گذشته وزیر دفاع آمریکا و حسنی مبارک رئیس جمهور مصر به کشورهای ساحل خلیج فارس سفر کردند. هم آمریکا و هم مصر در جریان این سفر قوت اولیادامه و تشدید کمکیای نظامی به این کشورها را دادند. امریکا سعی میکند کشورهای غربی را به تشکیل یک ناوگان دریایی با حضور امریکا جلب کند و آنها را در برابر پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر خروج بیدرنگ ناوهای خارجی از خلیج فارس و جایگزینی آنها با ناوگان دریایی سازمان ملل قرار دهد. ایسبن سیاست نه پایان یافتن جنگ بلکه درعمل ادامة جنگ و بهره برداری از آن برای گسترش فعالیت تجار و درگزاره و مداخله گران امریکا را هدف خود قرار داده است. در برابر این سیاست ، اتحاد شوروی تا بیگیری از برقراری صلح و اجرای بلادرنگ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و حل اختلافات از طریق مذاکرات سیاسی جانبداری میکند.

رژیم خمینی علیرغم همه فشارهای بی سمنه المللی ازتن دادن به قطع جنگ و اجرای قطعنامه ۵۹۸ خودداری میکند. رژیم با سیاست دفع الوقت و مانورهای مختلف میگوید تا شرایط خود را برای قطع جنگ تحمیل کند. حملات اخیر و بسیج گسترده نیرو بیشتر از هر چیز هدف فشار برای کسب امتیاز در گفتگوهای پشت پرده بوده و به درستی "جهاد برای امتیاز" نام گرفت. اما خطر حملات گشتارهای تازه همچنان وجود دارد. فریادشوم " جنگ جنگ تا بیروزی " هنوز از حلقوم نفرت انگیز بسیاری از نیروهای وابسته به رژیم از جمله انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت بیرون میاید. آنها خواهان ادامة جنگ بدون هرگونه استعاف هستند.

اما واقعیت این است که رژیم دریا طلاق جنگ گیر کرده ، علیرغم اینکه نونه تغییرهای شوم جنگ و بیروزی نظامی هیچ چشم اندازی ندارد و هر روز ادامة آن چون گوی برپیکر پیوسیده رژیم فشار میآورد. سران رژیم اینرا خوب فهمیده اند. در عین حال آنها به آسانی تن به صلح نمی دهند. خمینی از عواقب صلح و رسوایی عقب نشینی از خواسته هایش - خواسته هایی که ۷ سال مردم ما را بخاطر آنها به گام آتش و مرگ فرستاد - میترسد. آنچه که میتواند خمینی را مجبور به صلح سازد مشت پولادین مردم است. رژیم برای پیشبرد جنگ از هر زمان ضعیف تر و زیون تر و خوارتر شده است. با یاد این حقیقت را دریاقت و به همسره جوانان داخل داد. باید مبارزه صلح طلبانه خود را در داخل و خارج از کشور با خواست برقراری قوی صلح از طریق اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از هر زمان گسترده تر ساخت.

اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

طرح نظام نوین آموزشی



سید کاظم اکرمی در گفتگویی با روزنامه‌ها اعلام کرد که طرح نظام نوین آموزشی در ۷۰ اصل تهیه شده و به زودی برای بررسی و تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم خواهد شد. اکرمی در مورد این طرح گفت: "نظام نوین آموزشی، بر اساس خدا محوری، توحید و عبودیت است. الهی استوار شده است که این مبنا در تغییر و دوباره نویسی کتابهای درسی و فعالیت و تلاش اداره کنندگان آموزش و پرورش و معلمان و مسئولین مدارس به عنوان یک محور مورد توجه قرار میگیرد. در مورد آنچه که اساس این طرح است و مبنای باز نویسی و فعالیت مسئولین در آینده قرار خواهد گرفت، در یک کلام باید گفت که امروز هم کتابهای درسی، محتوای آموزشی و تبلیغاتی مسئولین به قدر کافی مشحون از خرافات و مضامین ضد علمی و ضد انسانی است. وای به وقتی که بخوانند این را ازین هم شورتش کنند.

اکرمی اندر فواید این طرح گفته است: برنامه ریزی‌ها به گونه‌ای انجام شده که تشکیک بر رشد قدرت تفکر و عقل و خلاقیت دانش آموزان باشد. نه اینکه تنها بر تقویت حافظه و محفوظات تاکید شود. کاش اکرمی بجای همه این لابلیل - زبانی‌ها یک بار دیگر هم به تعریف نظام "ولایت فقیه" که رکن اساسی جمهوری اسلامی است، مراجعه میکرد، در حکومت فقیه همه مردم گوشتندانی تلقی میشوند که چوپانی به نام فقیه باید آنها را بچراند، به جای آنها تصمیم بگیرد و عمل کند. و در نهایت مردم جز "مقلد" بحساب نمی‌آیند. حال در چنین نظامی آیا اساسا جایی برای تفکر و عقل نوجوانان باقی میماند و یا این تعاریف

جز شعار فی بیش نیستند. آنچه که در اوصاف اجرایی طرح نیز گفته میشود شنیدنی است. در طرح "نظام نوین آموزشی" ۲ سال اول تحصیلی، برای کودکان در نظر گرفته شده است (مقطع اساسی) و این در حالی است که مجموعه امکانات آموزشی قبل از دبستان، حتی ۲٪ از کودکان ما را هم شامل نمیشود و مسئولین هم برای اجرایی این بار و عده بوج و دروغین هیچگونه امکاناتی را تدارک ندیده‌اند. اکرمی در مورد همین طرح گفته است که "دوره آموزش عمومی ۹ ساله در حقیقت واجب عینی بوده و بر تمام فرزندان است. اسلام فرض و لازم است که این دوره را بگذرانند." پرسیدنی است که جمهوری فقیه برای اجرای این "واجب عینی" چه تمهیداتی اندیشیده است، آیا آنها نمی‌دانند که نزدیک به ۴ میلیون کودک و نوجوان واجب‌التعلیم ما نمیتوانند به مدارس راه پیدا کنند؟ آیا خبر ندارند که خانواده‌های محترم کاش این کودکان محروم قادر به تامین مخارج تحصیل عزیزان خود نیستند؟ آیا بر آنها روشن نیست که به هیچ وجه قادر به تامین آموزش اجباری ۹ ساله نیستند؟

چرا، آنها میدانند و خوب هم میدانند. آفتاب و خورشیدهای چنان بیکار که عامل جنگ ویدیختی وضع رقت‌آلود با زندگی، بیکاری و دربردی میلیونها کارگر و زحمتکش ایرانی و به تبع آن وضع رقت‌آلود فرزندانمان هستند، ما مردم جز به حیل و ریب و روبرونی شونده، وعده‌های دروغین و بوج و تبلیغات و هوو و جنجال بی‌ارمون آن به راه انداختن پرایشان ما بهای بزرگی دارد. آسوده خیال میگویند، آموزش ۹ ساله نخست واجب عینی است... اما نه تنها دیگر این فریبکاریها تا شیبر هر روز کمتری می‌یابند، بلکه نتایج و خسیسم سیاستهای ارتجاعی رژیم در کار آموزش کشور آشکارتر شده و با نشت روز افزون نموده‌های مردم و جوانان کشور مواجه میشود.

کودکان در زیر لگام دیکتاتورها

در پی گزارش سازمان عفو بین‌المللی در زمینه شکنجه کودکان در ۱۸ کشور جهان، رهبران این رژیمها اشتهاء ترشدند و عا ملین و کارگزاران مزدورشان بیش از پیش دست و پای خود را گم کردند. در ایران، عراق، ترکیه، نیپل، آفریقای جنوبی، فلسطین اشغالی و در همه کشورهای که سایه شوم دیکتاتوری را بر سر خود دارند بسیار کودکان و نوجوانان رفتارهای وحشانه و ضد انسانی پیش برده میشوند. لازم نیست جای دوری برویم. در جمهوری اسلامی شکنجه و آزار کودکان و نوجوانان امری عادی است. چه بسیار نوجوانانی که در برابر جوخه اعدا مل قرار گرفته‌اند و شیارهای شلاق در زمین بر تنشان نقش بسته است. چه بسیار کودکان و نوجوانانی که در کردستان و ترکمن‌صحرا بشکل فجیانه‌ای بقتل رسیدند. کودکان بسیاری هم‌راه مادرانشان به زندان افکنده شده‌اند و یا در زندان متولد شده‌اند و پس از آزادی از بند اسارت نیز آثار روحی و روانی دوران زندان، دقایق ترس و تشویش و آزار و شکنجه نامتناهی در ذهنشان باقی میماند. این کودکان بیدفاع حتی به عاملی برای تهدید پدر و مادرشان تبدیل نمی‌شوند، آنها را شکنجه میکنند تا پدر و مادرشان در بازجویی دست به اعتراف بزنند. در گزارش

سازمان عفو بین‌الملل ذکر شده است که از سرخوشت ۲۵۰ کودک و نوجوانی که در دوسال اخیر در عراق به زندان افکنده شده‌اند، مطلقا خبری نیست. تعدادی از آنها همراه با پدر و مادرشان دستگیر شده‌اند. دومی در گزارش شده که جسد دو کودک را تحویل بستگان نداده‌اند. در منطقه شوار غزه در فلسطین اشغالی دستگیری جمعی نوجوانان امری عادی است. در مقابل کودکان ۶-۱۰ ساله‌ای که روزانه به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی از پادرمیابند، کودکانی که در بازداشتگاهها بسر میبرند گویا نیک بخت ترند. در آفریقای جنوبی این اعمال بشکل وحشیانه تری پیش برده میشود. بنا بر گزارش عفو بین‌الملل در آفریقای جنوبی کودکان و نوجوانان دستگیر شده را زیر باران مشت و لگد قرار میدهند و با باتومیهای الکتریکی تک‌زده، به آنها شوک وارد میکنند و هر روز میتوان شاهد به خاک سپردن کودکانی شد که گلوله نژادپرستان بر سینه‌شان نشسته است. همچنین در اوایل سال گذشته ۴ پسر بچه در ترکیه دستگیر کرده و به آنها از طریق دهان شوک برقی داده‌اند. اینگونه جنایات در کشورهای که ادعای رعایت حقوق بشر را دارند، از جمله آمریکا بشکل عریانی چشم میخورد. تنها در شهر "دیترو" آمریکا ۳۰ کودک در زندان بسر میبرند. وظیفه بشریت مترقی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان نپا بخیزد.

ذبح شرعی قانون کار

در شورای نگهبان

قانون کار جمهوری اسلامی که بالاخره پس از ۹ سال در مجلس ارتجاعی بتصویب رسید، در شورای نگهبان ارتجاعی تر گیرکرد و اشکالات متعدد شرعی بر آن وارد گردید. قانون کار مصوب مجلس نسبت به لوائح قبلی برخی حقوقی صنفی بدیهی طبقه کارگر را به رسمیت شناخت. تحت تأثیر مبارزات چند ساله اخیر طبقه کارگر برای از حقوق صنفی و رفاهی تنظیم تعطیل رسمی روز اول ماه، ۳۰ روز مرخصی سالیانه، تعیین حداقل سن کار، ۳ ماه مرخصی دوره بارداری و زایمان زنان در قانون کار مجلس بازتاب یافت. اما این قانون همچنان اساسی ترین حقوق کارگران یعنی: حق کارواندیشی صنفی، حق برخورداری از تشکل صنفی مستقل و حق اعتصاب را نقض میکند.

در رابطه با حقوق صنفی ویژه کارگران جوان در مواد ۸۰ تا ۸۶ قانون اصلاحاتی در تقاضای لوائح قبلی صورت گرفته. کاهش یکساعت کار روزانه، انجام معاینات پزشکی سالیانه و رعایت تناسب نوع کار با توانایی کارگران از جمله این اصلاحات است. ولی مسئله اساسی کارگران جوان یعنی برخورداری از شرایط لازم - ضمن استفاده از دستمزد و حقوق صنفی، رفاهی مناسب - بخاطر برداختن به تحصیل و آموزش در این قانون تا مین شده است.

اشکالات شرعی شورای نگهبان مشتمل بر ۴۰ بند است و درست متوجه همان اصلاحات جزئی انجام شده است. در نامه شورای نگهبان به مجلس زمان مرخصی استحقاقی سالیانه کارگران، محسوبه مرخصی دوران بارداری، تعیین حداقل مسدود، بهداشت محیط کار، شرایط کار زنان و کودکان و... خلاف شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام شده اند. شورای نگهبان عضویت کار کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال را نیز غیر شرعی اعلام کرده است. در نامه مذکور گفته شده که به کار گماردن کودکان با اجازه ولی "کودک کالسی ندارد. شورای نگهبان میخواهد روابط کارگر و کارفرما را برودن عمر حجر منطبق سازد و کارگران را به سردگی رسمی بدل سازد، اما مجلس آخوندی که عقل سیاسی بیشتری دارد، میخواهد بی حقوقی کامل طبقه کارگر را زیر رنگ و لبا برخی امتیازات جزئی پنهان سازد.

ته مجلس به شورای نگهبان و نه هیچکدام از ارگانهای این رژیم قانون کار دموکراتیک صنفی نصیب طبقه کارگر ایران نخواهد کرد. وجهی از انقیاد، ستم و استثمار برای کارگران چیست دیگری بهمراه نمیآورند. آنها در نقض اساسی ترین حقوق ابتدایی طبقه کارگر یعنی حق کار، حق تشکل و حق اعتصاب متفق القولند. بدون حق کار، تشکل و اعتصاب رژیم سرمایه داران طبقه کارگر راهواره در خطر گرسنگی نگاه میدارند. آنها را از تشکل، آگاهی و سلاح مهم اعتصاب محروم میکنند.

کارگران جوان باید دوشادوش برادران طبقاتی خود مبارزه در راه دستیابی به این حقوق خود را گسترش دهند. تجربه چندساله اخیر نشان داده است که با مبارزه مستمحل و یکپارچه

گام حقیرانه برای

شرکت در المپیک



دره قاره جهان، برای شرکت در بزرگترین رویداد ورزشی بین المللی یعنی بازیهای المپیک که امسال تابستان در استوول برگزار میشود، آماده میشوند. در ایران نیز حرکت لاک پشتی همراه با آن اختلافات و دسته بندیها شروع شده است. در دیماه گذشته دبیر کمیته ملی المپیک اطلاع داد که از ورزشکاران ۴ رشته کشتی، وزنه برداری، دوچرخه سواری و تکیواندو جهت شرکت در مسابقات المپیک ۱۹۸۸ دعوت بعمل آمده است. خود این دعوت محدود کردن آن تنها به ۴ رشته ورزشی نشانگر آن است که چگونه ورزش ایران روز بروز در سطح بین المللی بی اعتبار تر میشود. در بسیاری از رشته ها از جمله فوتبال که شرکت در المپیک منوط به شرکت در مسابقات مقدماتی بود سابقا حاصل تیمهای ایرانی شد و با بدلیل سیاست ارتجاعی رژیم، ملی پوشان ایران موفق به شرکت در مسابقات مقدماتی نشدند.

اما سرطبق خسر روزنامه کیهان از همین چهار رشته محاز نیز جمهوری اسلامی فقط به شرکت تیم وزنه برداری در مسابقات المپیک رضایت داده است. این تصمیم به این دلیل اتخاذ شده که شرکت تیم وزنه برداری به مسابقات مقدماتی و مجوز نیاز ندارد. اما از قرار معلوم در میان دست اندرکاران ورزشی رژیم از تربیت بدنسازان پرتجع تر نیز وجود دارد. روزنامه کیهان به سخاوتمندی تربیت بدنی اعتراف کرده و مخالفت خود را با اعزام تیم وزنه برداری اعلام داشته است. مسئولین ورزشی رژیم علیرغم تسلیمات گنبد گسترده برده تهران بروری در ورزش به "معجزه" ویکی - دومثال از تیم وزنه برداری دل بسته اند تا بتوانند آنها وسیله تسلیمات و نشانه "کارنامه درخشان خود" و "قدرت اسلام" قرار دهند. اما روزنامه کیهان که گویی از وضعیت اسفبار ورزش ایران بهتر خسر دارد و هر مجزهای را ناممکن میداند از شکست وزنه برداری ایران در المپیک و رسوایی های بعدی نگران است و از همین جهت خواهان آن است که وزنه برداری هم به شمول فرستاده نشود. تجربه قبلی نشان میدهد که همین تصمیم حقیرانه سازمان تربیت بدنی نیز معلوم نیست اجرا شود و در ماههای آینده مزید تجدید نظر قرار نگیرد.

المپیک بزرگترین جشنواره ورزشی جهان است. مسابقات المپیک نه تنها میدانی است برای ارزیابی قدرت ورزشی کشورهای مختلف جهان، بلکه عرصه ای است برای آموختن و کسب تجربه و بالاتر از همه دوستی و صلح. شرکت هر چند گسترده تر تیمهای ورزشی ایران در المپیک آینده برای ورزش ایران تجربه ای بزرگ است. ورزشکاران و جوانان ورزش دوست باید بطور گسترده خواهان شرکت تیم های ورزشی ایران، در هر رشته ای که هنوز امکان آن باقی است، بشوند. این جزئی از مبارزه علیه سیاست ارتجاعی انزوی ورزش ایران و متوجه تا مین حق ورزشکاران کشور ما برای حضور در میادین بزرگ ورزشی جهان است.

میتوان رژیم را به عقب نشینی وادار ساخت کارگران جوان در این مبارزه برای پیروزیهای بزرگتر آبدیده میشوند.

تجارب هنرمندان و انقلابیون کشورهایی که او در آنها زندگی میکند، در خدمت عنای اندیشمندی اش قرار میگیرد. سرانجام با پایان یافتن جنگ، در میان استقبال پر شور هم میهنانش به بخش آزاد شده آلمان (آلمان دمکراتیک) باز میگردد و فعالیت هنری خود را تا پایان زندگی در همانجا دنبال میکند.

کار هنری برای برشت، وسیله ارتباط پیدا کرده هاست. او تاثر متداول و بویژه آنچه را

که فاشیست ها در خدمت خویش گرفته بودند، ضد مردمی میدانست. دکورهای رنگ و وارنگ، آتمسفر رویایی و طلایی و یا وهم آمیز و تیره، از ویژگیهای این تاثر بود. برشت میگفت: قبل از هر چیز باید مشخص کرد که نمایشنامه برای کدام طبقه، فشر و گسروه اجرائی، شنندگان برای کدام طبقه، فشر و گسروه اجتماعی نمایش میدهند و مخاطبان کیست. او نمایشنامه را در درجه نخست، گروه بی شمار زحمتکش بودند نه نخبه های طبقاتی جامعه.

کار برشت در تمام جهان و از جمله در هنرمیهن ما (بویژه در درجه تاثر و نمایشنامه نویسی) تا شیری عمیق وجدی داشته است. نمایندگان هنر مترقی، متعهد و مردمی در ایران با رها و بارها نمایشنامه های او را به صحنه آورده اند و در کنار تاثر آموزشی او را به کار گرفته اند. ترجمه شعرها و نوشته های برشت همواره با استقبال مردم و روشنفکران مترقی ما روبرو بوده است.

به اعتقاد برشت: "در این دوران که هر کس راهی را برای خود می گزیند، هنر نیز باید راهی برای خود انتخاب کند. یا باید آلت دست آن اقلیت معدودی شود که سرنوشت اکثریت را در جنگ گرفته اند و از آنان فقط اطاعت و ایمنی گور گورانه میخواهند. یا باید حانبا اکثریت را بگیرد و سرنوشت آنان را به دست خودشان سپارد. هنر میتواند شور، جذب، تخیل و اعجاز را در بر سر برانگیزد، میتواند چهل و نودانی را گسترش دهد، میتواند عقل و دانش را با افزایش و بالاخره میتواند خود را در اختیار نیروهای قرار دهد که توان خود را به هنگام تخریب و نابودی می نمایانند و یا به خدمت نیروهای درآید که دریاری و استعانت آنها، مقتدرند."

۹۵مین زادروز شاعر، کارگردان و نمایشنامه نویس بزرگ آلمان



برتولد برشت

از خانواده ای متحول برخاست، اما مخالفت با مردم هم طبقه اش را خیلی زود یعنی در ۱۶ سالگی شروع کرد. از همان آغاز کار هنری روح عیبیان و پرخاش علیه جنگ و بورژوازی در کارهایش مجلسی بود. همزمان با سالهای جنگ اول جهانی به ادانگه پزشکی وارد شد، اما به زودی برشت جوان را به جبهه بردند. تاثر این دوران در تمام کارهای بعدی اش مشهود است. بعدها در قطعه شعر پیرامین جنگ، چنین سرود: با گنج بردیوار نوشته شده "آنها جنگ طلب هستند" و آنچه این را نوشته خود اینست که در میدان جنگ از پای در آمده است.

آشنایی برشت جوان با مارکسیسم، عشق و عنای بیشتری به آفریده هایش بخشید. با درک و خامست و حساسیت اوضاع سیاسی، در سالهای ۱۹۳۰ هنرمندان را به ایفای رسالت تاریخی خویش که همانا بیداری مردم و نمایانندن چهره های واقعی سرمایه داران و فاشیسم در حال رشد بود، فراخواند. او میگفت: زمانی که این همه جنایت و کشتارهای دسته جمعی و جنگ و خونریزی صورت میگیرد، سخن گفتن از لطافت با ران و زیبایی درختان، جنایت نیست؟ آیا زمان آن نرسیده است که در برابر ستم قدریسر-افزایم؟

در روزهای جنگ دوم جهانی، مبارزه اش را با افشاگری فاشیسم هیتلری و جنایتش پی میگیرد. در قطعه شعر "آلمان ۱۹۳۳" مینهن خویش را آلوده به جنایت و خون فرزندان رشیدش میبیند، از این همه شرم دارد و می نویسد: من از تنگ خویش میگویم، باشد که دیگری از تنگ هایمان بگوید. این هنرمند بزرگ را ارتجاع فاشیستی محو و به مهاجرت و دوری از مردم مجبوس می کند. اما برشت در تبعید هم از پای نمی نشیند و بر خسی از جادوانه ترین آثارش را در همین سالها می آفریند

درستایش آموختن

یا دیگری، ساده ترین چیزها را!
برای آنان که بخواهند یاد بگیرند،

هرگز در بنیست
الضار را یاد بگیر! کافی نیست، اما
آن را یاد بگیر. مقدار دانش در دست کنند!
دست به کار شو. توهمه چیز را باید بدانی
تو باید رهبری را به دست گیری

ای آنکه در تبعیدی، یاد بگیر.

ای آنکه در زندانی، یاد بگیر.

ای زنی که در خانه ششده ای، یاد بگیر.

ای انسان ۶۰ ساله، یاد بگیر.

تو باید رهبری را به دست گیری

برتولد برشت

ای آنکه بی خانمانی، در بی درس و مدرسه باش
ای آنکه از سرما میلاری، چیزی بیاموز
ای آنکه گرسنگی می کشی، کتابی به دست گیر
این، خودسلاخی است.

تو باید رهبری را به دست گیری

ای دوست از پرسیدن شرم مکن.

مگذار که با زور، پذیرنده ات کنند.

خود به دنیا نشی بگرد.

آنچه را که خودتیا موخته ای

انگار کن که نمیدانی.

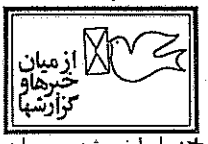
صورت حسابت را خودت جمع بزن

این تویی که باید بپردازی

روی هر رقمی انگشت بگذار

و بپرس: برای چیست؟

تو باید رهبری را به دست گیری



درا و آخر شهریور ماه مسئولین دانشکده پردیس اصفهان اعلام کردند که کلاسهای درسی از ۲۸ شهریور ماه شروع خواهد شد و دانشجویان تا اول مهر ماه برای ثبت نام فرصت دارند و اگر تا این تاریخ اقدام به ثبت نام نکنند باید علت تاخیر خود را کتباً توضیح دهند. اما با گذشت یک ماه و نیم از سال تحصیلی حتی یک کلاس هم تشکیل نشد. رئیس دانشکده در مقابل این سوال دانشجویان که چرا به ما برنامه آموزشی نمی دهید گفته است: هوا خوب است. دانشکده هم غذا میدهد، بروید بگردید " خلاصه اینکه بی برنامه می براموز دانشکده حاکم است. مسئولین دانشکده با یکدیگر اختلاف دارند. هر کس سعی میکند گناه عدم بهره‌رسانی کارها را به گردن دیگری بیندازد، کمک هزینه دانشجویان کم‌تر از مقدار تعیین شده و دبیر تراژموعد مقرریه‌بستان می‌رسد. در اعتراض به وضع نامسا من دانشکده، دانشجویان طومار اعتراضی تهیه کردند اما این طومار به‌خدا دو روز مفقود شد. به اعتقاد دانشجویان عوامل انجمن اسلامی در این کار دست داشتند. بدنبال این ماجرا دانشجویان مصمم شدند راههای دیگری برای بیسما ن

اعتراضات خود انتخاب کنند. * در اوایل آبان ماه بدنبال مدخلات انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در کارمدرسه بیت کاظمی رئیس این دانشگاه ضمن صدور اطلاعیه‌ای با مضمون: " با توجه به شرایط حاکم بر دانشگاه دیگر حاضر نیستم حتی یک روز به کار خود ادامه دهم... و در پایان بی‌روحیت موقوفات مست حزب الله تاکید میکنم. " استعفاي خود را اعلام میکند. انجمن اسلامی دانشجویان تحت حمایت رهبری قدوسی نماینده منتظری در دانشگاه ضمن محکوم کردن این عمل از رئیس دانشگاه میخواهد تا به سولات انجمن پاسخ گوید و توضیح دهد که منتظری از شرایط حاکم بر دانشگاه چیست. در پی این عمل انجمن اسلامی، طرفداران رئیس دانشگاه که عبارتند از: انجمن اسلامی کارکنان و استادان " رشته برق و " دانشجویان رزمنده گروهی از دانشجویان که هرازگاهی در مقابل انجمن اسلامی دانشجویان اسرار وجود میکنند به حمایت از رئیس دانشگاه برخاسته طوسی اعلامیه ای آمادگی خود را جهت برپایی راهپیمایی به دفاع از وی اعلام میکنند. این وضع که جودانشگاه را متشنج کرده بود، سرانجام با مباحثی نمایندگان آموزش عالی فیصله یافت و کاظمی مجدداً ریاست دانشگاه ابقا شد. * در مدارس کرج ارائه دفترچه بسیج اقتصادی جزو وظایف ثبت نام دانش آموزان بود. این امر

برای تعداد زیادی از مردم شهرها که مهاجر و آواره جنگی هستند، و دفترچه بسیج ندارند، مشکلات زیادی فراهم کرده بود. ولیسی بالاخره در نتیجه مبارزه پیگیرانه آنان، اداره آموزش و پرورش با صدور بخشنامه‌ای شرط مذکور را از روابط ثبت نام حذف کرد. زمانیکه فیلم میرزا کوچکخان در یکی از سینماهای تهران نمایش داده میشد، در صحنه‌ای از فیلم از زبان یکی از بازیگران در نقش مخالف اسلام گفته شد: ما هر چه می کشیم از دست همین روحانیان است. شما تا چنان با شنیدن این جمله شروع به سوت زدن کرده، با کف زدنهای ممتد گفته وی را تائید کردند. در سینمای دیگری در صحن کف زدن و سوت زدن، فردی با صدای بلند فریاد زد " دوازده تومان دادم که فقط همین جمل را بشنوم. این وضع در اکثر سینماهایی که این فیلم را نمایش میدادند تکرار شده است * دور جدید اعزام دانشجویان به جبهه ۲۷ ترمه آغاز شد. برای گروههای دا و طلبان متضاران تسی قائل شده اند که بشکل اطلاعیه سرسری به تمام دانشگهان ابلاغ گردیده است. امکان شرکت مجدد در امتحانات و واحدگیری در جبهه از جمله ایت تسهیلات است. گروههایی که بطور اجباری اعزام شوند از این امکانات برخوردار نخواهند بود. دانشجویان بخوبی آگاهند که فراهم کردن این تسهیلات وسیله دیگری است برای جذب نیروی هرجه بیشتر برای جبهه های بی بازگشت جنگ.

برای دختران ممنوع!

رژیم پوسیده و فزون وسطایی خمینی رسماً معتقد است که زنان را با تحصیل و آموزش، تولید و ورزش، فرهنگ و هنر و خلاصه زندگی اجتماعی کاری نیست. اما از آنجایی که در جامعه ما بیشبسرود چنین اندیشه‌ای با مقاومت و مبارزه زنان و دختران دلاورما و روبروست، مجبور میشود تا آرام آرام به پایا ه کردن نقشه ارتجاعی خویش بپردازد. نفعده نام‌هایی که هنگام ثبت نام دختران دانش آموز دبیرستانها و مدارس راهنمایی از آنها نیکیبرد و بر اساس آن، به اخراج و خانه نشینی اقدام میکنند، از جمله این تمهیدات است. بخش‌هایی از این تمهیدات را در زیر می آوریم:

ص: به عنوان یک دانش آموز متعهد بیه اجرای قوانین و مقررات و موازین اسلامی تعهد می نماید که: از پوشیدن لباسهای نامناسب و خلافشئون دانش آموزی در داخل و خارج مدرسه و معابر اجتناب نموده و در این مورد تابع مقررات تربیتی و اخلاقی مدرسه باشم و موظفم که موارد زیر را رعایت کنم.

الف: حجاب را در مدرسه و خارج از مدرسه رعایت نموده و از مقنعه چانه دار، ضخیم و بلند و خالسی

از زهرگونة مدل و طرح و نقشه و زرق و برق استفاده نماید.

ب: از پوشیدن شلوار لی، جین، مخمل ساده کبریتی تنگ، لوله تنگ و غیر پارچه‌ای و جورابهای نازک و رنگی یا نامناسب و کفش رنگین و پاشنه بلند و صدادار خودداری نماید.

ج: موظفم حتی در صورت تغییر فصل، مقررات مدرسه را در مورد حجاب و لباس موکدا رعایت نمایم مثلاً در استفاده از ژاکت و پالتو فقط از رنگهای طوسی، سرمه‌ای و قهوه‌ای استفاده کنم (رعایت این امر برای افراد چادری و غیر چادری الزامی می باشد) و ضمناً از عطر و روغن و هر وسیله معطری که جلب توجه نماید، خودداری نمایم.

د: از آوردن عکس، نوار، کتاب، مجله و... متبذل (غیر اسلامی) خودداری نمایم. سادگی و نظافت را رعایت و از حمل و استفاده از اشیاء زینتی در داخل مدرسه و معابر اکیدا خودداری نمایم.

این تمهیدات که البته سری دراز دارد. اصلاً جالب توجه است که رژیم آخوندها با همه مقررات و غلاظوشادای که وضع کرده است، نتوانسته فشار گورستانی دلخواه خویش را در مدارس کسسه نونوا لان و دختران جوان ما تحصیل میکنند، حاکم گرداند.

دختران در رژیم آخوندها

یکی از آرزوهای قلبی و انجام نیافته رژیم جمهوری اسلامی آن است که بتواند زنان میهن ما را هر چه بیشتر به کنج خانه ها بکشد و در در آنجا محبوس کند. این یکی از شروط اساسی ایجاد "جامعه اسلامی" است. مغزهای پوسیده و متحجر آخوندهای تبهکار برای عملی کردن این هدف هر زمان راه حلهای تازه‌ای ارائه میدهند. دختران دانش آموز در مجموعه نقشه‌های رژیم برای تبدیل زنان جامعه ما به "انسانهای درجه ۲" جای مهمی دارند. سران رژیم تاکنون به اقدامات متعددی در جهت محدود کردن دختران دانش آموز و سلب حقوق انسانی آنان دست زده‌اند. خواب‌تازه رژیم فقها در مورد دختران و زنان جوان میهن ما را جواد عادل برنامه ریز جمهوری

اسلامی در وزارت آموزش و پرورش چنین شرح داد : بسیاری از دختران دانش آموز پس از اخذ دیپلم ازدواج میکنند. برای این قبیل دختران درس خواندن در رشته‌های ریاضی فیزیک، تجربی اقتصاد اجتماعی یا فرهنگ و ادب ضرورت چندانی ندارد. اگر میتوانستیم رشته‌های تاسیس کنیم تا اینگونه دختران آموزش‌هایی فرا میگیرند که در اداره خانه و یک زندگی طولانی خانوادگی لازم باشد. برای آشنا کردن کاربردی ترمینده. البته در وزارت آموزش و پرورش صحبت‌هایی در زمینه تاسیس چنین رشته‌ای شده است"

این خواب تازه متوجه محدودیت‌های پیش از پیش آموزشی برای دختران دانش آموز گسترش آن به بخش مهمی از سیستم آموزشی کشور است. طبیعی است که این طرح‌های گستاخانه آمیزش برده منشی با اعتراض یکپارچه زنان جوان میهن ما و همه جوانان وتوده مردم روبرو خواهد شد. اینگونه طرح‌ها و نقشه‌ها آتش خیم جوانان و مردم میهن ما را تیزتر میکند.

جنبش هر روز زیر و مندرت میشود

بقیه از صفحه ۸

سیاسی - نظامی صورت میپذیرد. از یک سو جنبه‌های بخش ملی فارابوندمارتی (F.M.L.N) روبه گسترش است و در تمام نقاط کشور حضور نظامی دارد. از سوی دیگر سازمان‌های توده‌ای کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشجویان، معلمان و استادان و غیره مبارزه سیاسی نیرومندی را به پیش میبرند. راه حل سیاسی پیرومندی برای بحران کنونی سیاسی است. اما چ این جنبش سیاسی عبارت از پیشگیری از مداخله نظامی ایالات متحده در کشور و پایان دادن به کشتار موجود است. آنان علیه مبارزان غیر نظامیان از سوی دولت ارتجاعی حاکم مبارزه کرده و خواهان رعایت اصول حقوق بشر هستند. با توجه به مجموعه این مبارزات سیاسی و نظامی است که دولت امروزه کنترل بر بخش‌های کشور را از گفدا ده است. حکومت وابسته به امپریالیسم "ناپلئون دوارته" قادر نیست بیش از این بر کشور فرمان براند و از همین روست که تمایل به شکست زدن بر مداخله نظامی ایالات متحده دارد.

سوال : ترکیب جنبه‌های بخش ملی فارابوندمارتی مارتی چگونه است؟
پاسخ : جنبه فارابوندمارتی از اتحاد پنج حزب و سازمان سیاسی - نظامی چپ السالوادور حاصل آمده است. این پنج جریان عبارتند از حزب کمونیست السالوادور، جنبه‌های بخش خلق (FPL)

جنبش مقاومت ملی (R.N) حزب انقلابی کارگران آمریکا مرکزی (K.P.T.C.A) و ارتش انقلابی خلق این پنج جریان که جنبه فارابوندمارتی را تشکیل میدهند در راه وحدت کامل تلائ میورزند. نبرد انقلابی در کشور ما در مرحله‌ای در میبرد که کمیت در آن از اهمیت حیاتی برخوردار است. بسط عبارت دیگر، حداکثر حضور بیشتر از انقلاب برای مانع کلیدی دارد. ما هم اکنون درگیر نبرد تمام عیار با سیاست امپریالیستی به شکست کشتن انقلاب هستیم.

سوال : ترکیب جنبه دموکراتیک انقلابی چیست؟
پاسخ : این جنبه از دوجریان تشکیل شده است که عبارت است از جنبش انقلابی ملی که دارای نظرگاه سوسیال دموکراتیک است و جنبش سوسیال مسیحی خلق که آن هم دارای دیدگاه سوسیال مسیحی است.

سوال : رابطه میان این دو جنبه به چه صورت است؟

پاسخ : یک فرماندهی عمومی انقلابی وجود دارد که نهادی ارگانیک بوده و مبارزه نظامی و سیاسی را رهبری میکند و به روابط میان این دو جنبه‌ها مانع میبخشد. اتحاد میان جنبه دموکراتیک انقلابی و جنبه‌های بخش ملی فارابوندمارتی در کشور ما منجر به آزاد شدن حداکثر نیروی عمل انقلابی توده‌ای ممکن گشته و حداکثر فشار را بر دشمن سازمان میدهد. همه واقعیت‌ها را بر دشمن است که جنبش انقلابی در السالوادور هر روز نیرو مندتر از روز پیش عمل میکند.

بانک‌یکار جویی زندانیان ...

بقیه از صفحه ۱

رژیم درصدد انتقام گیری از زندانیان سیاسی، فرزندان و سرافراز و دلبر خلق و درهم شکستن روحیه مقاومت و همبستگی آنهاست. در هر جا که هستیم باید به دفاع از قهرمانان اسیر خلق بشتابیم و از خواسته‌های برحقشان دفاع کنیم. مردم مبارز میهن ما و افکار عمومی جهان را بسطه پشتیبانی از آنها فرا خوانیم و صدای حق طلبانه زندانیان سیاسی را در همه جا بگستریم.



مباحثه پیشگام با رهبران "آگوش"، اتحادیه عمومی دانشجویان السالوادور



جنبش هر روز نیرومندتر میشود

سوال : ابتدا درباره "آگوش" برای ما توضیح بدهید.

پاسخ : "آگوش" اتحادیه عمومی دانشجویان السالوادور است. این سازمان دارای یک هیات اجرایی عمومی است که اعضای آن از جانب و بسا رای دانشجویان السالوادور انتخاب میگردند. سازمان های پایه "آگوش" را سازمان های دانشجویی دانشکده های مختلف تشکیل میدهند. سازمان مدرعین حال عضو رهبری اتحادیه بین المللی دانشجویان است.

سوال : وضعیت و مواضع سیاسی "آگوش" چگونه است ؟

پاسخ : "آگوش" یک اتحادیه سیاسی و درعین حال علمی دانشجویی است. به لحاظ مواضع سیاسی باید گفت که "آگوش" ازجبهه دیمکراتیک انقلابی (FDR) حمایت کرده و این جبهه را به مثابه پیشاهنگ سیاسی خوبی میپذیرد.

سوال : چگونه در شرایط نبرد انقلابی السالوادور و حکومت ضد خلقی حاکم برکشور میتوانستید به مثابه یک سازمان علمی از جبهه دیمکراتیک انقلابی حمایت کنید ؟

پاسخ : دانشگاه ها بطور سنتی در السالوادور دارای حقوق و قوانین ویژه ای هستند. بنا بر این قوانین دانشگاه میتواند از نهاد های قانونی و علمی دانشجویی در داخل محدوده دانشگاه برخوردار باشد. البته این به معنی عدم وجود فشار فاشیستی بر فعالین و مسئولین نهاد های دانشجویی نیست و وضعیت آنان طبیعتا دستخوش اوضاع عمومی کشور بوده و کامکان نیز هست. لذا برای درک وضعیت "آگوش" باید هر دو وجه این واقعیت را دریافت. به علاوه وضعیت ما تابع درجه پیشرفتگی جنبش نیز هست.

سوال : فعالیت شما در مناطق آزاد شده به چه صورت است ؟

پاسخ : در مناطق آزاد شده تنها ارگانه های اعمال قدرت خلق عمل میکنند و شعب و فعالیت "آگوش" در این مناطق وجود ندارد. دلیل روشن این وضع آنست که در محدوده فطری مناطق آزاد شده هنوز هیچ موسسه آموزش عالی موجود نیست.

سوال : هم اکنون وضعیت سیاسی در السالوادور چگونه است ؟

پاسخ : مدت ها است که وضعیت انقلابی درکشور ما حاکم است. این وضعیت انقلابی رفته رفته ژرفای هرچه بیشتری میگردد. این ژرفش در راستای عقبه در صفحه ۷

افغانستان : امید های تازه

نیانیه اخیر منجائیل گاریا جفر رهبرکشور اتحاد شوروی در رابطه با خروج نیروهای مسلح این کشور از افغانستان آزما به آینده توجه همگان را به خود جلب کرده است. در بیانیه آمده است : " مدت زمان درازی است که جنگ افغانستان ادامه دارد. این جنگ یکی از سخت ترین و دردناک ترین منقشه های است و آنشورکه از شواهد و قرائن بر میآید، مقدمات معینی برای حل و فصل سیاسی آن بوجود آمده است. بیانیه سیاست آشتی ملی در افغانستان را مظهر نو اندیشی رهبری افغان نشان میداند و تا کیست میکند که آشتی ملی نه نشان ضعف، بلکه بیانگر نیروی معنوی و شایستگی و برآزندگی رهبران سیاسی و شرافتمند و مسئولی است که برای امروز فردای کشور خود نگرانند.

موقفیت های سیاست آشتی ملی هم اکنون امکان میدهد که خروج نیروهای شوروی از افغانستان آقا ز شود. اکنون در ۱۳ ولایت افغانستان نیروهای شوروی حضور ندارند، زیرا در این مناطق زود خورد نظامی تضعیف شده است. در بیانیه آمده است که هر قدر سرعت برقراری صلح در سرزمین افغانستان بیشتر باشد بهمان نسبت خروج نیروهای شوروی از خاک افغانستان ساده تر و سریعتر انجام خواهد شد.

حل و فصل مسئله افغانستان یکی از خواستهای بشریت ترقیخواه و نیز گشاینده افقی صلح آمیز در منطقه است. اما نباید انتظار داشت که نیروهای جنگ طلب چه در سطح جهان و چه در سطح منطقه به آسانی به این ضرورت و نیاز زمان پاسخ گویند.

پیرو ز یاد قیام خلق فلسطین

حدود دو ماه است که قیام خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیستهای اشغالگر اسرائیل با شدت فزاینده و روز افزون ادامه دارد. در طول این مدت صدها نفر در تظاهرات خیابانی و در زیر شکنجه های حیوانی در بازداشتگاهها به هلاکت رسیدند و هزاران نفر بازداشت شدند. نوجوانان و جوانان فلسطینی در این حرکت قهرمانانه و بی نظیر حماسه ها آفریدند و چشم جهانیان را به خود خیره کردند. جوانان فلسطین زندان و بازداشتگاه را به آموزشگاه مقاومت و وطن پرستی تبدیل کرده اند. آنها "سنگ انداز" وارد زندان میشوند و نارنجک انداز از آن بیرون میآیند.

اعمال ضد انسانی و وحشیانه صهیونیستها خشم و نفرت همگان را برانگیخته است. ستورای امنیت ما نیز در ملل سرکوب فلسطینی ها از جانب اسرائیل را بشدت محکوم کرده است. سازمان جوانان پیشگام ایران از مبارزه خلق فلسطین برای برخورداری از کشوری مستقل و حاکمیت ملی حمایت میکند و در افشای جنایات و وحشیانه صهیونیستهای اسرائیلی میکوشد. خلق فلسطین پیروز خواهد شد و دست خون آلود اشغالگران را از سرزمین خود کوتاه خواهد کرد.

آدرس :
Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA
اتریش

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!